

کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

احمد کلاته‌ساداتی^۱، سارا صادقیه^۲

چکیده

عمل خیر و یاریگری، بخشی از فرهنگ ایران و تاریخ یزد بوده است. لایه زیرین اجتماعی در شهر یزد، بستری از ارزش‌ها و عمل اجتماعی ناظر به کار خیر است. در این شهر، خیرین به صورت آشکار و پنهان، در مقیاس کوچک یا بزرگ، سازمان یافته یا غیر سازمان یافته، فردی یا خانوادگی، این سنت ارزشمند را ادامه می‌دهند. هدف تحقیق حاضر کشف و واکاوی درک و تجربه درونی اقدام خیریه در میان خیرین شهر یزد است. مطالعه حاضر کیفی است که در سال ۱۴۰۲ و در میان خیرین شهر یزد انجام شد. با معیار اشباع داده‌ها ده خیر فعال در شهر مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند و داده‌ها به روش تحلیل مضمون، تحلیل شد. نتایج نشان داد که مشارکت‌کنندگان تجربه درونی مثبتی از انجام کارهای خیر دارند. مضامین برساخت شده تحقیق عبارت‌اند از: زیست رضایت‌مندان، شادکامی، معنویت و تأیید اجتماعی. بر اساس نتایج می‌توان گفت که درک و تجربه مثبت از امر خیر، زمینه تداوم آن را برای افراد خیر فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: کار خیر، اسلام، نوع دوستی، رضایت باطنی، یزد



مقدمه

حیات جامعه به همبستگی و انسجام بین ارکان و اعضای نظام اجتماعی است. اگرچه عناصر همبستگی و انسجام در جوامع مختلف متفاوت است؛ با این همه می توان فصل مشترکی بین آنها ملاحظه کرد؛ علاوه بر این جوامع مختلف بسته به ارزش های فرهنگی و تاریخی و نیز جهان بینی حاکم بر نظام اجتماعی خود عناصر خاص همبستگی و انسجام را تعریف کرده اند. اسلام به عنوان یک جهان بینی جهان گستر رویکرد خاص خود را به عناصر انسجام اجتماعی دارد؛ هرچند در برخی از موارد می تواند با دیگر جهان بینی ها مشترک باشد. اسلام جهان بینی کل نگرانه ای است که از پیروان خود مسئولیت های فردی و اجتماعی می خواهد. تمام این مسئولیت ها در جهت انسجام و استحکام ارکان نظام اجتماعی است. یکی از این مسئولیت ها، مسئولیت افراد در قبال سایر هم نوع ها در نظام اجتماعی است. انسان مسلمان، نه فقط نسبت به خانواده و بستگان، بلکه نسبت به سایر افراد در نظام اجتماعی مسئولیت دارد. در نظام اقتصادی اسلام، انواع کار خیر اعم از واجب و مستحب مطرح شده است که همگی در راستای همین استحکام و انسجام اجتماعی است؛ به عنوان مثال اقسام واجب مثل زکات، خمس، انواع فطریه و اقدام مستحب مثل انفاق، صدقه، قرض الحسنه، بخشی از مسئولیت های اجتماعی فرد مسلمان نسبت به سایر هم نوعان خود در جامعه است. خداوند مسلمانان کسانی که به اسلام گرویدند و ایمان آوردند را به کمک رسانی به برادران و خواهران دینی خود سفارش می کند. همچنین امام باقر (ع) فرمودند: کسی که در کمک کردن به برادر مسلمانش بخل ورزد و از اقدام در انجام حاجتش دریغ کند، گرفتار به کمک کسی شود که در آن کمک گناهکار (خدا) شود و مزدی هم نبرد (مکارم شیرازی، ج ۷۴: ۲۵۳-۲۵۶). لازم به ذکر است که اگرچه در هر نظام اجتماعی بر اساس دستورات دین عمل می شود، اما بخشی از این اقدام به خیر به زمینه های فرهنگی و اجتماعی در آن نظام اجتماعی مربوط است؛ به عنوان مثال خیر و یاریگری در جامعه ایران، اگرچه یک برساخت اجتماعی مرتبط با جهان بینی اسلامی است، اما بخشی از آن ریشه در تاریخ و فرهنگ جامعه ایران دارد.



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهریزد

موضوع یاریگری در جامعه ایران واقعیتی تاریخی است که به قبل از اسلام برمی‌گردد. جامعه ما به دلیل ویژگی‌های خاص پتانسیل بیشتری در زمینه همیاری و کمک به همونوع دارد که به صورت سازمان یافته و نیمه سازمان یافته و گاه در قالب تشکل‌های محلی، ملی، مذهبی در حمایت از همونوعان نقش ایفا کرده است. چون رفتارهای نوع دوستانه مناسبات تعاونی اصیل را در جامعه گسترش می‌دهند؛ از این رو شرایط عینی را برای افزایش موّدت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی فراهم می‌کند. به هر اندازه روابط همیاری و امداد رسانی داوطلبانه در زمینه‌های مادی و منزلتی بالا باشد، به همان میزان نابرابری اجتماعی و عزلت‌گزینی کاهش می‌یابد (شکوری، ۱۳۸۴: ۲-۳)، البته فرهادی موضوع یاریگری را بخشی از فرهنگ ایرانیان تلقی کرده و در مقابل نظریه‌های دیگر مثل استبداد شرقی معتقد است یاریگری بخشی از هویت و ذات فرهنگ ایرانی است. «فرهنگ ایرانی حداقل در هزاره گذشته، شدیداً طرفدار "تو نیکی می‌کن و در دجله انداز" بوده و کمک به امید تلافی را کاری کارستان نمی‌دانسته است. این فرهنگ بر این باور بوده که:

احسان هنری نیست به امید تلافی نیکی به کسی کن که به کار تو نیاید» (فرهادی،

۱۳۸۷: ۱۸).

بنابراین «یاریگری از ویژگی‌های جوامع سنتی است. جامعه سنتی ما نیز در گذشته و حال، در موارد گوناگون و برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی، به چنین راه‌حل‌هایی نیازمند بوده و هنوز نیز نیازمند است. فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار از سویی و فرهنگ یاری دوست و پراخوت اسلامی و ایرانی از سوی دیگر، در درازای زمان، به ویژه روستاییان و کوچ‌نشینان ما را هرچه بیشتر به هم وابسته کرده است. برخورد سازنده و هوشیارانه با این دشواری‌ها، چه در زمینه تولید و چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‌های اجتماعی، به آفرینش شکل‌های بسیار متنوع و سازگاری از یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در جامعه ایران انجامیده است» (فرهادی، ۱۳۸۷: ۱۴). بستر اجتماعی ایران مشحون از مفهوم و تجربه تاریخی یاریگری است. عموماً یاریگری در ایران متأخر در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) انجام می‌گیرد. احتمالاً به همین دلیل است که در گزارشی تا سال ۲۰۰۳، بیش از بیست هزار سمن فعال در ایران وجود



داشت. بیشتر این سازمان‌ها مؤسسه‌های خیریه بودند؛ بنابراین مشمول گروه سمن‌های توسعه‌گرا نبودند (بالوئی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). برآورده شده است که تعداد سمن‌ها در ایران از ۲۰۰۰ در سال ۱۳۷۶، به حدود ۱۰۲۵۰ در سال ۱۳۸۴ و به بیش از ۱۷۰۰۰ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در برنامه‌های توسعه کشور نیز مواد ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۴۰ و ۱۶۳ از قانون برنامه چهارم توسعه بر حضور و مشارکت سمن‌ها در برنامه‌های توسعه تأکید کرده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). این نگاه به جامعه ایران و فرهنگ یاریگری در آن، ارتباط استواری بین ارزش‌های فرهنگی انسان‌دوستی با ساختار و بستر اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران را نشان می‌دهد.

موضوع خیریه در شهر یزد، بحثی اجتماعی و تاریخی است. بخشی از مراکز آموزشی و درمانی در این شهر بر اساس وقف و خیرات بنا شده و بقا یافته است. دکتر سعیدی در کتاب ارزشمند خود راجع به خانواده برخوردار در شهر یزد به کارهای خیر بسیاری که توسط این صنعتگر انجام شده اشاره کرده است. نکته جالب در این زمینه این است که نویسنده به تأسیس نکردن نهاد و بنگاه خیریه توسط برخوردار اشاره کرده است که به نظر می‌رسد بخشی از فرهنگ یزدی است که در امور خیریه به نهادگرایی میل نداشته است. «حاج محمد حسین برخوردار بنیاد خیریه تأسیس نکرد تا پس از فوتش فعالیت خیریه‌اش اشکال مدرن‌تری داشته باشند، اما بخشی از منافع باغ‌های پسته را برای امور خیریه اختصاص داد. برخوردار درآمد چندین هکتار باغ پسته را به مدت بیست سال برای هزینه در شهر نجف اشرف و هزینه جشن تولد امام حسین (علیه السلام) و مدارس دینی اختصاص داد. کمک‌های او به بیمارستان مدارس، کتابخانه حوزه علمیه، طلاب دینی، ساخت آب‌انبار و مسجد در یزد مشهور است. تأسیس مجدد حوزه علمیه پس از شهریور ۲۰ در یزد معلول حمایت مستقیم از آیت‌الله فقیه خراسانی بوده است. در این رابطه ده‌ها سند مبنی بر پرداخت شهریه به طلاب در اسناد خانوادگی او موجود است. همچنین محمد حسین هنگامی که باروری محصول خوب بود، با اختصاص بخشی از هزینه، کشاورزان را برای زیارت به مشهد می‌فرستاد (سعیدی و شیرین‌کام، ۱۳۹۶: ۳۲۸). اگرچه شهر یزد به آن معنایی که سعیدی و شیرین‌کام اشاره کرده‌اند، در سطح گسترده‌ای مؤسسه‌های خیریه ندارد، اما همچنان عام‌ترین شکل



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

خیریه و دگریاری در این شهر وقف است که به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد؛ هرچند بعد از اسلام شاکله‌ای رسمی به خود گرفت. «به نظر می‌آید که موقوفات یزد از دوران سامانی که دیوان موقوفات در ایران پا گرفت روشن‌تر شده است. آنچه از تواریخ محلی یزد و غیر محلی این عصر و اعصار بعد به دست می‌آید، نشانگر آن است که از دوران آل کاکوئیه حکام محلی، زنان و سایر عوامل درباری به عنوان بانیان خیر در آبادانی شهر یزد مطرح بودند که این امور خیر در دوران اتابکان با ایجاد امنیت لازم توسط آنها ادامه یافت و از دوره مظفریان با عنوان وقف تداوم یافت» (چراغی و زارع سنگدرازی، ۱۳۹۶: ۲)؛ علاوه بر این ایجاد و رشد آموزش و پرورش نوین، بهبود اوضاع بهداشتی درمانی رفاهی و اقتصادی مردم مسلمان و زرتشتی با اقدام مالی و معنوی پارسیان هند آغاز شد و تأثیرات خود را با تربیت یک نسل دانش‌آموخته علوم نوین بر فرهنگ مردم این شهر مذهبی گذارد (خانی سانچ، ۱۳۹۷)؛ عواملی که خود به توسعه آموزش و پرورش در شهر یزد از دوران مشروطه انجامیده است (بابایی زارچ و همکاران، ۱۳۹۹).

موارد مذکور نشان می‌دهد که موضوع یاریگری در قالب فعالیت‌های خیریه در شهر یزد، موضوعی تاریخی و اجتماعی است. این موضوع را بیشتر از همه در وقفیات گسترده‌ای، به عنوان شکل عام دگریاری ایرانیان در تاریخ، که چه مسلمانان و چه زرتشتیان در این شهر داشته‌اند، می‌توان ملاحظه کرد. علاوه بر وقفیات گسترده در لایه‌های درونی جهان زیست یزدی‌ها، فرهنگ آن‌ها مشحون از رفتارهای یاریگرانه و اقدامات خیریه متعدد است. «سایر اقدامات او (برخوردار) کمک به احداث مسجد و کمک به تجهیز دبیرستان البرز، کمک به صندوق‌های قرض الحسنه و صندوق کمک به بیماران و همچنین صدها نمونه از کمک‌های موردی بخشی از وجوه اجتماعی شخصیت او را تشکیل می‌داد. خیریه و بخشش جزئی از وجودش بود» (سعیدی و شیرین‌کام، ۱۳۹۶: ۳۳۸).

امروزه تغییرات اجتماعی بسیاری شهر یزد را در بر گرفته است؛ گسترش شهر، مهاجرت گسترده به شهر، افزایش جمعیت و به تبع آن مواردی از پیامدهای شهرنشینی مدرن که در بیشتر کلان‌شهرهای کشور وجود دارد، البته کار خیر و اقدام نوع‌دوستانه به حیات خود ادامه می‌دهد. در این شهر، خیرین به صورت آشکار و پنهان، در مقیاس کوچک یا بزرگ،



سازمان یافته یا غیر سازمان یافته، فردی یا خانوادگی، این سنت ارزشمند را ادامه می دهند. مطالعات در موضوع کار خیر و روی خیرین انجام شده است، اما با خلأ دانش نسبت به تجربه درونی خیرین مواجهیم و با توجه به اهمیت موضوع، پرداختن به این مسئله اهمیت می یابد. ناظر به این موضوع، سؤال پژوهش حاضر این است که خیرین شهر یزد، چه درک و تجربه ای (ناظر به تجربه درونی) از اقدام خیرخواهانه خود دارند؟

مرور پیشینه

دلالت های دینی و اجتماعی بسیاری در ایجاد انگیزه افراد به سوی عمل خیر وجود دارد؛ علاوه بر این انجام کار خیر دلالت های درونی و فردی، ناظر به تجربه فرد از انجام این عمل وجود دارد. اگرچه مطالعات در این زمینه ضعیف است، اما تلاش می شود مطالعات نزدیک به موضوع مرور شود.

مطالعه دلدادۀ مهربان و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که عوامل آموزش و پژوهش، عوامل حمایتی، تشویق و انگیزش، تبلیغات و رسانه و سازمان دهی امور خیریه می توانند به عنوان راهبردهایی برای نگهداری خیرین ورزشکار تأثیرگذار باشند.

مطالعه کلاته ساداتی و همکاران (۱۴۰۱) با هدف کشف و واکاوی موانع و چالش های اقدام یاریگرانه دانشجویی در کووید ۱۹ در بین گروه های دانشجویی شهر یزد نشان داد که گروه ها در مواجهه با چالش های چندوجهی درون و برون ساختاری در بحران، با پنج مضمون احصاشده روبه رو هستند. این مضامین شامل سیاست زدگی دستگاه های اجرایی، کمبود سرمایه اجتماعی گروه، چالش ستادی گروه، اغماض و سرکوب نهادی و درنهایت فرسودگی هستند؛ بنابراین سیاست گذاران باید به نقش و ظرفیت بالای گروه های دانشجویی در بحران توجه بیشتری داشته و برای ارتقای دانش و مهارت آن ها در این زمینه اقدام کنند. ازجمله راهبردهای مهم در این زمینه، حذف سیاست زدگی در اقدام، به ویژه در شرایط بحران است. کلاته ساداتی و فلک الدین (۱۴۰۱) در مطالعه ای چهار مضمون انگیزه های دینی سیاسی، نوع دوستی، مسئولیت پذیری و رضایت درونی را کشف کردند. آنان بیان داشتند یاریگری می تواند به عنوان یک برساخت عاملیت محور در نظر گرفته شود که در شرایط جهانی شدن و



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

تحت تأثیر رسانه‌ها تقویت می‌شود. همچنین انگیزه‌های دینی و سیاسی نیز از عوامل تقویت‌کننده کنشگری یاریگری است که ریشه در تاریخ و فرهنگ جامعه ایران دارد؛ بنابراین، در برابر شیوع کووید ۱۹، اصل یاریگری بر پایه ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن شکل می‌گیرد. همچنین آنان در پژوهشی دیگر (۱۳۹۹) نشان دادند: «جاری بودن» وقف که یکی از اجزای وقف‌نامه است، در شرایط امروز به معنایی که واقف در نظر دارد، به تحقق نرسیده است. این موضوع، به‌ویژه در برابر تضاد جامعه سنتی ایران با جامعه مدرن که بر پایه «پول» و نه «تیول» اقتصادی است، محدودیت‌هایی از جمله خرید و فروش و ترهین نکردن در وقف‌ها و سایر موقوفات جامعه ایران، بزرگ‌ترین چالش وقف با جامعه‌ای است که بازار مدرن، تعیین‌کننده روابط و اساس‌های اقتصادی آن است. سپهوند و علایی مقدم (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مقایسه بخشودگی و عملکرد خانواده در زنان فعال و غیرفعال در امور خیریه» نشان دادند فعالیت زنان در امور خیریه می‌تواند به افزایش بخشودگی خانواده و بهبود عملکرد آنها کمک کند. اشراقی، امیراحمدی و نعیمی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که ابعاد از سرمایه اجتماعی به عنوان عواملی که خیرین را در انجام کنش مشارکتی در امور خیر تحریک، تسهیل و ترغیب می‌کنند وجود دارد. این ابعاد شامل اعضای شبکه اجتماعی خیرین، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، سنت عمل خیر در خانواده و دوستان خیرین، حمایت‌های اجتماعی، عاطفی، اطلاعاتی و حمایت‌های ابزاری است که به خیرین کمک می‌کند تا به راحتی و با انگیزه بیشتر به امور خیر در نقاط مختلفی که نیازمندند وارد شوند. همچنین این نویسندگان در همان سال در مطالعه‌ای مشابه با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی کنش مشارکتی خیرین در نظام سلامت» نشان دادند، بین همدلی و احساس تعلق، اعتماد و تعهد اجتماعی، ساختارهای مشارکتی، سابقه نیکوکاری، آگاهی اجتماعی و به‌ویژه باورهای دینی با کنش مشارکتی خیرین رابطه معناداری وجود دارد. پژوهشی توسط بلورفروش و انصاری (۱۳۹۸) انجام گرفت که این پژوهش در پی دستیابی به عوامل بروز رفتار خیر در مردم شهر اصفهان بود که مشاهده اثربخشی کار خیر در جامعه و بردن بهره معنوی از آن بخشی از یافته‌ها را شامل می‌شود. نتایج پژوهش مروری طیب‌نیا و اصفهانی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه» نشان داد که عوامل



فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مرتبط با فعالیت‌های خیرخواهانه زنان است. در مطالعه دلاور و همکاران (۱۳۹۵) یافته‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین ابعاد مختلف شخصیت، خصوصیات خودکارآمدی، خوش‌بینی و انگیزه پیشرفت با نوع دوستی خیرین وجود دارد. همچنین یافته‌های عوامل اجتماعی نشان از معناداری رابطه خودمختاری اخلاقی، ارزش‌های مادی، احساسات اخلاقی و ارزش‌های متافیزیک با نوع دوستی خیرین دارند.

اوزجان، هولترهوف و ویلی^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «ایمان و معنویت به عنوان مکانیسم مقابله روان‌شناختی در بین امدادگران زن: یک مطالعه کیفی» نشان دادند که رویکردی مبتنی بر ایمان و معنویت به مصاحبه‌شوندگان کمک می‌کند تا در محیط‌های دشوار احساس آرامش، انعطاف‌پذیری و حضور داشته باشند. شرکت‌کنندگان هویتی قاطع، فضایی برای مراقبت از خود و همچنین دسترسی به اجتماع، تعلق و ارتباط در سراسر مرزهای ملی، اعتقادی و معنوی را تجربه کردند. دمورا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «یک پیشنهاد چارچوب برای ادغام اقدامات لجستیکی بشردوستانه، مدیریت فاجعه و کمک متقابل در برابر فاجعه: مورد برزیل» نشان دادند که تاکتیک‌های آمادگی و پاسخ تدارکات، با کمک متقابل در برابر فاجعه، می‌توانند نتایج سریع‌تر و مؤثرتری را در مقایسه با روش‌های معمول امنیت از شرکت‌ها و همچنین اطمینان از همکاری متقابل بین شرکت‌ها تضمین کنند. هاف میستر و ناوارو^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «یک رویکرد روانی-اجتماعی در اقدامات پزشکی قانونی بشردوستانه آمریکای لاتین» نشان دادند که تعامل هماهنگ بین زمینه‌های پزشکی قانونی و روانی اجتماعی، هردو را به نفع خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع آسیب‌دیده تقویت می‌کند. برآورد کلی پیشینه‌ها حاکی از پرداختن به امور خیر در حوزه‌های مشخص و با نگاه سیاست‌گذارانه است. مشاهده می‌شود در دوران کووید ۱۹ با

1. Ozcan, Hoeltherhoff & Wylie
2. deMoura
3. Hofmeister & Navarro



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

نگاه ویژه‌تری به اقدام خیرخواهانه توجه شده، اما باین همه کمتر پژوهشی با تأکید بر ابعاد شادکامی و رضایت درونی خیران و احساس شخصی آنان انجام گرفته است.

چهارچوب مفهومی

یکی از طبقه‌بندی‌های بومی در موضوع یاریگری به نظریه فرهادی مربوط می‌شود. او برای تقسیم‌بندی انواع همکاری را ارائه می‌دهد؛ مدلی که بر مبنای شاخص جهت همکاری، به سه دسته کلی تقسیم می‌شود.

درون‌سویه یا خودیاری: زمانی است که هرکس برای خود، کاری انجام می‌دهد، اما در حضور گروه و این ویژگی در گروه بودن، یکنواختی کار را می‌گیرد و انجام آن را لذت بخش‌تر از حالت فردی‌اش می‌سازد؛ به عنوان نمونه می‌توان به چیدن گروهی گیاهان کوهی اشاره کرد که هرکس برای خودش می‌چیند، اما همه باهم و در کنار هم این کار را انجام می‌دهند.

میان‌سویه یا همیاری: زمانی است که کمک فرد به شخص دیگری با هدف جلب کمک او در آینده یا پاسخی به کمک او در گذشته باشد. این مدل از یاریگری را «کمک تأخیری» نیز می‌نامند که بارزترین وجهه آن را می‌توان در انواع واره^۱ یا رسم یادداشت کردن هدایای عروسی به منظور پس دادن آن در عروسی طرف مقابل مشاهده کرد.

برون‌سویه یا دگریاری: زمانی است که فرد از کمک به دیگری، انتظار هیچ پاداش یا کمک متقابلی ندارد و نوعی کمک بدون عوض یا بخشش محسوب می‌شود. انگیزه دگریاری غالباً یا کسب منزلت اجتماعی یا اجر اخروی یا تشفی روانی است. احسان به نیازمندان، شناخته شده‌ترین حالت این نوع از یاریگری است (فرهادی، ۱۳۸۸).

از نگاه تیلور، معنویت از نیازهای عمومی بشر است که از گذشته و در جوامع مختلف مشاهده شده است (تیلور؛ ۲۰۱۷: ۵۰۶). بررسی تاریخی جوامع مختلف نشان داد که شکل‌های متفاوتی از معنویت در جوامع متعدد وجود داشته است. یکی از پدیده‌های نوظهور که در دوران پسااستنتی شاهد آن هستیم، استقلال معنویت از دین است؛ بدان صورت



که امروزه برای معنوی بودن به دین داری نیازی نیست (هیلاس^۱ و همکاران؛ ۲۰۰۵: ۱)؛ بنابراین در جوامع مدرن معنویت از منابع مختلفی تأمین و ابعادی از ادیان سنتی را نیز شامل می‌شود، اما در عمل مستقل از دین در معنای سنتی خود عمل می‌کند.

از نظر پارسونز، نظام اجتماعی از مجموعه کنشگران فردی تشکیل شده است که در یک موقعیت فیزیکی، با یکدیگر کنش متقابل برقرار می‌کنند. این افراد بر اساس تمایل‌های خود به ارضای نیازهای خویش می‌پردازند و رابطه‌شان با موقعیت و با یکدیگر توسط یک ساختار فرهنگی و نمادهای مشترک تعیین می‌شود (ریتزر؛ ۱۳۸۸: ۱۳۵). او در کتاب **نظام اجتماعی** نشان می‌دهد که به چه صورت روابط نقش بر اساس اشتراک انتظارات در خصوص رفتار و نگرش‌های افراد دیگر شکل می‌گیرد. این انتظارات حاصل فرایندهای مشترک درون‌ریزی هنجارهای جامعه و اجتماعی شدن هستند. همچنین رضایت در جامعه را به دو صورت رضایت درونی و ابزاری تعریف می‌کند که رضایت درونی شامل تأیید فرد از سوی دیگران، تصدیق و تأمین شغلی است (پارسونز، ۱۹۹۱).

داینر^۲ در تشریح شادکامی و اجزای آن، شادکامی را ارزشیابی احساسی و شناختی افراد از زندگی خود می‌پندارد و اجزای شادی را رضایت زندگی، هیجان‌های مثبت و خوشایند یا وجود نداشتن هیجان‌ها و احساس‌های منفی و عوامل دیگر همچون عزت‌نفس، خوش‌بینی و احساس شکوفایی معرفی می‌کند. در این نظریه ویژگی‌های افراد شادکام را داشتن دستگاه ایمنی قوی، برخورداری از روابط اجتماعی بهتر و مفیدتر، طول عمر بیشتر، مقابله مؤثرتر با موقعیت‌های سخت و دشوار، خلاقیت و موفقیت بیشتر و گرایش هرچه بیشتر برای کمک به دیگران معرفی می‌کنند (داینر؛ ۲۰۰۰).

روش تحقیق

تحقیق حاضر مطالعه‌ای کیفی است که در سال ۱۴۰۲ و در شهر یزد انجام شد. داده‌ها از ده نفر از خیرین شهر جمع‌آوری گردید. روش نمونه‌گیری در دسترس و گلوله برفی بود. اگرچه

1. Heelas
2. Diener



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

برخی از مشارکت‌کنندگان از اطلاق لفظ خیر عموماً و به دلیل ارزش‌های ذهنی‌شان ابا داشتند، اما معیارهای ورود عبارت بود از:

- مدیران مؤسسه‌های خیریه

- مددکاران اجتماعی خیر در بنیادهای خیریه که عموماً بخشی از اوقات زندگی خود را به صورت خیریه در بنیادهای مربوط فعالیت داشتند.

- خیرین مدرسه‌ساز

- افرادی که وابستگی به مؤسسه‌های خیریه نداشتند و به صورت مستقیم با نیازمندان ارتباط داشتند، یعنی بیشتر نقش میانجی‌گری در کار خیر داشتند.

- افرادی که به صورت فردی کمک‌های مالی و غیرمالی خود را به نیازمندان که عموماً نیازمندان تعریف شده برای این افراد بودند می‌دادند.

پس از انتخاب فرد خیر، وقتی برای مصاحبه تعیین می‌شد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام می‌شد. به دلیل مشغله مصاحبه‌شونده و عدم دسترسی حضوری به آنها، چهار مصاحبه به صورت حضوری و بقیه آنها به صورت تلفنی انجام شده است. ^۱ (۲۰۱۲) معتقد است که انجام مصاحبه تلفنی با افرادی که غریبه‌اند می‌تواند به مصاحبه‌هایی با داده‌های پرمایه‌تری منجر شود. همچنین او بیان می‌کند که مصاحبه تلفنی با زنانی که شاغل هستند، این امکان را به آنها می‌دهد تا در زمانی از روز که برایشان مقدور است، بدون اینکه مجبور باشند شغل خود را نادیده بگیرند، در مصاحبه شرکت کنند. پرسش اصلی ناظر به مطالعه حاضر این بود: «شما از انجام کار خیر چه درکی داشته‌اید؟ تفسیر خود از این درک را بفرمایید؟» با رضایت خیر داده‌ها ضبط و سپس روی کاغذ آورده می‌شد. با معیار اشباع داده‌ها ده نفر وارد مطالعه شدند (جدول ۱).



جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل
۱	خانم بزرگمهر	۶۲ سال	دیپلم	خانه‌دار	متأهل
۲	خانم فاطمه	۳۷ سال	کارشناسی ارشد	مددکار افتخاری در مؤسسه خیریه	مجرد
۳	خانم نازیلا	۲۷ سال	کارشناسی	آزاد	مجرد
۴	خانم حسینی	۶۶ سال	سیکل	مدیر مؤسسه خیریه	متأهل
۵	آقای رضایی	۷۱ سال	دیپلم	کارخانه‌دار، مؤسس مدرسه خیریه	متأهل
۶	آقای صارمی	۶۲ سال	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه، مدیر مؤسسه خیریه	متأهل
۷	آقای سمعی	۴۹ سال	دیپلم	کارخانه‌دار	متأهل
۸	خانم نیک‌اندیش	۳۷ سال	کارشناسی ارشد	مددکار افتخاری در مؤسسه خیریه	متأهل
۹	خانم بیانی	۶۳ سال	کاردانی	معلم بازنشسته، مدیر مؤسسه خیریه	متأهل
۱۰	خانم ناییبی	۴۲ سال	کارشناسی ارشد	طراح و مدیریت مزون لباس	متأهل

داده‌های مصاحبه پس از آوردن روی کاغذ چند بار مورد خوانش قرار گرفتند و پس از آن به روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شدند. تحلیل مضمون روشی برای شناخت و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که به تحلیل داده‌های متنی می‌پردازد. این روش به تبدیل داده‌های پراکنده و متنوع به داده‌های غنی و تفصیلی کمک می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). روش‌های متعددی برای تحلیل مطالعه کیفی به روش تحلیل مضمون وجود دارد که



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

در این پژوهش از روش سه مرحله‌ای آتردا- استیرلینگ^۱ (۲۰۰۱) استفاده شده است. کل فرایند تحلیل به سه مرحله تجزیه و توصیف متن؛ تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن تقسیم می‌شود، درحالی‌که در تمامی مراحل، تحلیل و تفسیر مرحله‌ای انجام می‌شود، اما در هر مرحله تحلیل، پژوهشگران به درجه‌های بالاتری از انتزاع دست می‌یابند. به عقیده لینکلن و گوبا، منظور از اعتبارپذیری، اطمینان از صحت داده‌ها و تفسیر آنهاست (استروبرت و همکاران، ۲۰۱۶). منظور از اعتمادپذیری (قابلیت اعتماد یا همسانی)، ثبات و پایایی داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است که از طریق تلفیق روش‌ها (مصاحبه، مشاهده و یادداشت در عرصه) و نظارت و بازنگری خارجی صورت می‌گیرد (کرسول و پوت، ۲۰۱۷). در این پژوهش، دو پژوهشگر داده‌ها را تحلیل خواهند کرد و میزان اختلاف و موافقت بر مقوله‌های استخراج شده و چهارچوب احصاشده مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. همچنین از روش تأیید مشارکت‌کننده نیز استفاده خواهد شد. رعایت اخلاق تحقیق در تمام مراحل مورد توجه پژوهشگران بود. بر این اساس رضایت از انجام مصاحبه، ضبط گفتگوها، رعایت صداقت در مسیر انجام پژوهش و گزارش داده‌ها و نیز رعایت اصل گمنامی مشارکت‌کنندگان از مهم‌ترین اصول اخلاقی تحقیق حاضر بود.

یافته‌ها

مصاحبه با مشارکت‌کنندگانی که به کار خیر مشغول هستند، اندکی دشوار است. برخی از مشارکت‌کنندگان بنا به ارزش‌هایی که داشتند، خود را خیر تلقی نمی‌کردند، برخی از آنها با شنیدن مفهوم خیر، سکوت و گاه بغض می‌کردند؛ به‌هرحال گویا مشغول به کار خیر شدن درک و تفسیر فرد از واقعیت زیست را وارد فضایی با تفسیر و معنویت خاص می‌کند. دو موضوع در این جهت برجسته بود؛ اینکه برخی مشارکت‌کنندگان هنوز خود را خیر تلقی نمی‌کردند و اقدام خود را به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های معمول، با تأکید بر اینکه اگر خداوند قبول کند، مطرح می‌کردند و دوم اینکه بعضی از مشارکت‌کنندگان احساس غلیان درونی و باطنی از انجام این کار داشتند که در گزارش برخی از موارد فعالیت‌های خود بغض



می‌کردند؛ به هرحال روشن بود که مشغول بودن به کار خیر؛ هرچند کوچک، در ابتدای کار، یک تجربه زیسته عمیقاً رضایتمندانه از زندگی و حیات روزمره مشارکت‌کنندگان است.

جدول ۲. مضامین برساخت‌شده مرتبط با درک و تفسیر کار خیر

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
زیست رضایتمندانه	زیست هدفمند، رضایت درونی	ارضای حس انسانیت، حس مثبت نسبت به زندگی، احساس توانمندی، رضایت درونی، زیست هدفمند، امیدواری، زندگی سودمند، حس مفید بودن، امید به گره‌گشایی از زندگی شخصی، بازگشت خیر به زندگی خویش
شادکامی	نشاط بخشی، آرامش روحانی، ناجی روح، لذت‌گرایی	ذوق و شوق، احساس سرمستی، نشاط درونی، گریه از سر شوق، حس غیرقابل وصف، آرامش، سرکیف آمدن، لذت بردن، نجات از افسردگی، بهبود روحیه، دل‌خوشی
معنویت جویی	تقرب الهی، بازیابی معنویت، دست خدا	قرب الی‌الله، ارضای نیاز ارتباط با خدا، رضایت الهی، واسطه میان خدا و بنده نیازمند
تأیید اجتماعی	زیست یاریگری، خودکارآمدی	شناخته شدن در اجتماع، جلب رضایت والدین، تمول اجتماعی، تأیید دوستان، رفع انزوای اجتماعی، افزایش تعامل اجتماعی، افزایش ادراک اجتماعی، خودکارآمدی

زیست رضایتمندانه

همیاری با نیازمندان، زیستی رضایتمندانه را به دنبال دارد. خیرین معتقدند با کمک به همنوع، حس انسانیت در آنها زنده می‌شود و انسان خوب بودن را به آنها القا می‌کند. مشارکت‌کنندگان اظهار می‌دارند مادامی‌که لبخند رضایت و شادی در نگاه فرد نیازمند مشاهده می‌شود، وجود آنان نیز مملو از رضایتمندی شده است. به گفته آنها اقدام یاورانه نوعی هدفمندی معنوی و امیدواری را به زندگی‌شان می‌بخشد و زمانی که در تنگناهای زندگی، ناامیدی و بی‌هدفی به سراغشان می‌آید؛ یادآوری برق نگاه کودک نیازمند آنها را از جای بلند می‌کند و به هدفی برای تلاش و ادامه حیات تبدیل می‌شود. خیرین بی‌اندازه به



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

بازگشت خیری که روان کرده‌اند به زندگی خود باور دارند و اغلب از بازپس‌یابی برکت خیر خود در زندگی گفتند. همچنین در بسیاری از مواقع آن را راهکار و راه‌حل در برابر تنگناها می‌دانند. همچنین آنها معتقدند گاهی انسان از روی خودخواهی و برای خشنود کردن خویش و برای دریافت آن رضایت و لذت وجودی و به‌نوعی برای قابل‌ستایش ساختن رفتارشان در نزد خود به این عمل می‌پردازند.

نازیلا: بعضی وقتها، وقتی که حالم خیلی بده و اینا، تصویر اون بچه‌ای که بهش کمک کردم می‌آد، بعد آدم اصلا حس مُکُنه که این یه نشونه‌هه، انگاری اون اومده که دلداریت بده، بلندت کنه از جا.

فاطمه: برای چراغ همسایه نور آرزو کن، حوالی خانه توأم روشن می‌شود.

خانم نیک‌اندیش: خودکارآمدی وجود داره، یعنی اینکه تو به‌عنوان یک فرد مستقل گوشه‌ای از مشکلات یک نفر رو داری حل مُکنی و این خودکارآمدی رضایت درونی رو داره.

شادکامی

شادکامی اغلب با احساسات مثبت و لذت‌گرایی از زندگی توصیف می‌شود. بخش عمده‌ای از صحبت مشارکت‌کنندگان دربردارندهٔ توصیف ابعاد شادکامی و حس لذت از اقدام انسان‌دوستانه است که معتقدند ذوق و نشاط حاصل از کمک‌رسانی حسی غیرقابل‌توصیف است که تمامی مشارکت‌کنندگان از آن به نیکی یاد می‌کنند و بر این باورند که موجب ایجاد آرامش روحی آنان و کنترل خشم و عصبانیت آنان می‌شود. خیرین از آثار کار خیر خود به نجات از افسردگی و آسیب‌های روحی یاد می‌کنند که در مواردی همچون ترابی مؤثر عمل می‌کند و به‌زیستی روانی را به آنان بازمی‌گرداند. آنها خود را قدردان و قانع در زندگی و صبورتر در برابر مشکلات شخصی می‌دانند و حتی باور دارند کار خیر در کنترل خشمشان نیز مؤثر است. آنها می‌گویند: برخلاف تفکر عمومی که افرادی با دغدغه‌های کمتر



در این مسیر قرار می‌گیرند، درگیری برای خیرین هم وجود دارد و گاهی آن قدر این مشکلات گسترده است که تنها راه نجات خود را امور انسان دوستانه می‌دانند.

خانم بیانی، مدیر چند مؤسسه خیریه، می‌گوید: وقتی پسر من رو از دست دادم، اصلاً دیگه دیوانه شدم. واقعاً یه دیوونه بودم. واقعاً! اصلاً دیگه نمی‌خواستم کسی رو ببینم. فرهنگی بودم. گفتم دیگه نمی‌تونم پیام مدرسه و ترک کار کردم و مرتب رفتم سر مزارش. دیگه خیریه هم نمی‌رفتم و به زور چندباری رفتم و کم‌کم جوری شدم که حال خوبم و بهبودیم الگوی خیلیا شد. خیلی کساییم که میان خیریه اوایل افسرده بودن، اما الان خیلی بهشون خوش می‌گذره و خوب می‌شن.

آقای صارمی، مدیر مؤسسه کودکان سرطانی، با بغض و گریه می‌گوید: من احساس آرامش مُکَنَم. باورتون نمیشه یه روز صبح بیدارمشم می‌بینم امروز تعطیله، امکان نداره که سری به مؤسسه زنم. دوست دارم اصلاً! احساس آرامش عجیبی دارم! نه من، همه همکارام خیلی ذوق و شوق دارن بیان و دورهم باشن، یه کمکی کنن، یه مریضی رو بالاخره راه بندازن. یه بچه‌ای می‌آد با یه اسباب‌بازی کوچولو دلش شاد کنن. برای همه آرامش خاصی دازه اینجا.

خانم بزرگمهر می‌گوید: من رفتم سراغ بچه‌یتیم. مامانش رفته بود خونه‌های مردم کار می‌کرده. من رفتم پشت پنجره آشپزخونه، دیدم صدای گریه این بچه می‌آد؛ سه یا چهارسالش بود. مامانش خونه مردم کار می‌کرد و هنوز نیومده بود. براش بستنی گرفتم تا از لای پنجره آشپزخونه بدمش، اما این بچه نمی‌تونست بیاد پشت پنجره، صندلی گذاشت زیر پاش. گریه می‌کرد. بالاخره بستنی را از لای زده پنجره آشپزخانه دادمش.



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

بستنی یُکش^۱ رو خورد. داشتیم با همدیه حرف مَرَدَم که مامانش اومد. این عاللی بود از نظر من. کیف کردم! الان هم این پسر بزرگ شده، وکیل هست.

معنویت جویی

بیشتر مشارکت‌کنندگان امور خیر را راهی به سوی خدا می‌دانستند و در انجام چنین اموری معنویت گمشده و از این طریق رضایت خداوندی را جستجو می‌کردند. برخی معتقد بودند معنویت تنها در مناسک مذهبی خلاصه نشده است و کمک به هم‌نوع آن معنویت و نیاز به ارتباط با پروردگار را در وجودشان رفع می‌کند. همچنین آنان به نوعی خود را دست خدا در زمین می‌بینند که در میان خداوند و بنده نیازمندش در زمین نقش واسطه‌ای ایفا کرده‌اند و گره‌گشای زندگی مخلوق خداوند شده‌اند. خیرین خود را لایق نگاه ویژه خداوند و همچنین گزینش شده از سوی او می‌دانند و این احساس را نه تنها پس از به وقوع پیوستن کار خیر، بلکه پیش از آن و در زمان تصمیم‌گیری در انجام امور خیریه در وجودشان حس می‌کنند. آنها با کار خیر، نشاط معنوی و اجر اخروی برای خود، خانواده و اجدادشان می‌خرند.

خانم نیک‌اندیش می‌گوید: من معنویت رو تو این کار جستجو مُکُنم، یعنی اینکه معنویت برای من خیلی تو بعد مذهبی تعریف شده اون سبکایی که وجود داره برای عزاداری و نماز خوندن و روزه گرفتن و اینا نیست، چرا اونا رو هم قبول دارم، ولی واقعاً اون چیزی که به اون قرب الی‌الله منو نزدیک مُکنه، به خدا همین انسانیت در راه دستگیری از یه فرد و کمک به یه قشری از جامعه هس که نیازمندند. تمام توانمو تو این مسیر مذارم.

خانم بزرگمهر می‌گوید: بهتون بگم که خیلی از علمای ما خوابشون رو دیدن که می‌گن که مثلاً هشتاد تا کتاب نوشتن، هشت تا فلان کار کردن، هشتاد تا منبر رفتن، اما اونجا بهشون گفتن که هیچ‌کدوم از اینا فایده‌ای



نداشته. قدم کوچولویی که فلان جایی برای بنده خدا برداشته که قرض داشت، پرداخت کردی، آبروی این مرد رو خریدی، آبروی این زن رو خریدی، ما اون رو براش اهمیت قائلیم. لبخندی که می‌رم در خونه شون تو صورتشون می‌بینم، این دل من رو شاد می‌کنه. خوشحال هستم. امیدوار هم هستم که خداوند یک روزی، یک درصدی هم اجر معنوی به من بده ان شاء الله.

خانم نایبی می‌گوید: این معنویت از قبل از کار خیر به وجود می‌آد؛ یعنی آدم احساس مکنه که خب! تو لیاقت اینو داشتی که مثلاً برای این فرد این حرکت رو انجام بدی. پس خدا تو رو انتخاب کرده برای این کار، اینه که باعث میشه تو همت کنی، این قبلش وجود داره.

تأیید اجتماعی

طبق گفته مشارکت‌کنندگان انجام امور خیرخواهانه تأثیرهای اجتماعی گسترده‌ای را نیز به دنبال می‌آورد. زمانی که فردی به عنوان خیر شناخته می‌شود، در ابعاد خرد، تأیید والدین، گروه دوستان و به صورت کلان تأیید جامعه را به دست می‌آورد. کمک و دستگیری از فردی که در تنگنا قرار دارد و به نوعی خیرین ناممکن را برای او ممکن می‌کنند؛ موجب می‌شود از آنان که شاغل بوده و تحصیلات دانشگاهی داشته تا زنان خانه‌دار که حضور کم‌رنگ‌تری در اجتماع داشته‌اند، خودکارآمدی مشترکی مشاهده شود و آن هنگام است که فرد خود را قدرتمند و تأثیرگذار می‌پندارد. مددکاران در مؤسسه‌های خیریه بیان می‌کنند فعالیت در چنین مؤسسه‌هایی به رفع انزوای حضور آنان در اجتماع کمک می‌کند و به دلیل ارتباط مستقیم با مردم موجب افزایش تعامل‌های اجتماعی آنها می‌شود و در نتیجه این تعامل و شنیدن صحبت و مشکلات هم‌نوعانشان به ادراک اجتماعی آنان می‌افزاید و سبب می‌شود خود را از نظر اجتماعی متمول بدانند. خیرین ارتباط با نیازمندان و دعای خیر آنها و همچنین یادشدن به نیکی را ثروت و دارایی معنوی خود می‌دانند.



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

نازیلا معتقد است: وقتی که با آدما ارتباط داری و داری از لحاظ عاطفی، مادی و معنوی به کمکی به یه آدمی مُکنی، باعث میشه که تعاملاتتم با آدما بیشتر بشه و اینکه بیشتر می‌تونی درک کنی آدما رو.

آقای رضایی که مدرسه‌ای را در یزد به صورت خیریه تأسیس کرده است، کمک به پدر و مادر را هم جزء امور خیر می‌داند. او با بغض می‌گوید: اولین کاری که کردم، تالار خونه پدر و مادرم رو حموم و دستشویی گذاشتم و شوفاژ براشون کشیدم که بارها و بارها مادر من به همه میگفت که علی کاری کرده که دیه زمسون و تابسونو فرقتش نملم^۱ و خیلی خیلی پدر و مادرم از من، الحمدلله، راضی بودن.

فاطمه می‌گوید: خصوصاً اونایی که اتفاقاً دوست نیستن؛ همچین که متوجه کار ما می‌شن اولین بار خیلی نگاه خوبی دارن نسبت به ما و می‌گن که مثلاً تو چه قدر از خود گذشته هستی!

نتیجه‌گیری

زیست‌بوم فرهنگی اجتماعی ایران موضوع خیر را به عنوان بخشی از واقعیت اجتماعی و دینی بر ساخت کرده است. این موضع در بسترهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند متفاوت بر ساخت گردد یا قوت و ضعف داشته باشد. شهر یزد، به علت زیست‌بوم کویری، حضور فرهنگ خیری پیش از اسلام و نیز حاکم بودن ارزش‌های اسلامی، از بسترهای خیری برجسته است. هدف پژوهش حاضر، کشف و واکاوی موضوع در میان خیرین شهر یزد بود. بر این اساس درک و تفسیر خیرین از کار خیر مورد واکاوی قرار گرفت. چهار مضمون بر ساخت شده



پژوهش عبارت‌اند از: زیست رضایتمندانه، شادکامی، معنویت‌جویی و تأیید اجتماعی. به‌طور کلی می‌توان گفت که مشارکت‌کنندگان به درک عمیق‌تری از مفهوم خیر در اقدام خود رسیده‌اند.

در مقایسه با مطالعات پیشین، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر مؤید بسیاری از آن‌هاست؛ به‌عنوان مثال موضوع تشویق و انگیزه در مطالعه دلداده مهربان و همکاران (۱۴۰۲)، بهبود عملکرد زنان خیر در مطالعه سپهوند و علایی مقدم (۱۴۰۰) و موضوع سرمایه اجتماعی در پژوهش اشراقی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌سوست. از سوی دیگر مضمون معنویت و مذهب با یافته‌های بلورفروش و انصاری (۱۳۹۸)، طیب‌نیا و اصفهانی (۱۳۹۷)، اوزجان و همکاران (۲۰۲۱)، هم‌سو است. اگرچه بعضی از مشارکت‌کنندگان به جنبه‌های انسانی اقدام خیر خود تأکید داشتند، اما واقعیت آن است که در بستر شهر یزد، همچنان و هنوز مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل انگیزه‌بخش برای انجام کار خیریه است. کلاته‌ساداتی و فلک‌الدین (۱۴۰۱) و نیز کلاته‌ساداتی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود دریافتند که معنویت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دلایل اقدام انسان‌دوستانه در همه‌گیری اخیر بوده است. همچنین کلاته‌ساداتی و فلک‌الدین (۱۳۹۹) در پژوهش خود به ظرفیت‌های شهر یزد در راستای اقدام خیر اشاره کرده‌اند که یکی از دلالت‌های آن به لحاظ تاریخی موضوع معنویت است. همچنین سعیدی و شیرین‌کام به دلایل وقف در تاریخ ایران اشاره کرده‌اند: «امر خیریه به‌عنوان کنشی ارادی می‌تواند با نیت مذهبی و دیگرخواهانه انجام گیرد» (سعیدی و شیرین‌کام، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

در رابطه با کنشگری دینی، اساساً در تاریخ، دین و ادیان ابراهیمی سهم مهمی در کنشگری‌های یاریگری، به‌خصوص در گروه‌های محروم، فقرا، آسیب‌دیدگان و سایر گروه‌های اجتماعی داشته‌اند. در اسلام نیز بسیاری از آیات و روایات، انجام کارهای خیر و حسنات را توصیه کرده است. همان‌طور که فرهادی در نظریه خود نشان داده است بخشی از مفاهیم یاریگری ریشه در مفاهیم دینی و اجتماعی ایرانیان دارد که هزاران سال تداوم داشته است؛



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

به هر حال بستر دینی جامعه مورد مطالعه، یعنی یزد، کمک بسیاری به بازتولید مفهوم امداد و یاریگری در بحران داشته است.

در مورد زیست رضایتمندانه می‌توان به نظریه فرهادی ذیل مضمون «تشفی خاطر» (۱۳۷۸) اشاره کرد که به نظر می‌رسد نوعی انگیزه‌های روانی در اقدام خیر مطرح است که فرد پس از مشارکت نوعی احساس رضایت درونی و احساس آرامش می‌کند. به نظر می‌رسد این یک موضوع فطری در بشر است که کمک به هم‌نوع در او چنین اشکالی از رضایت درونی را به وجود می‌آورد. طبیعی است که چنین رضایتی، تنها برای کسانی که در یاریگری مشارکت می‌کنند معنا دارد و احتمالاً مشارکت اول و رضایت نخستین باعث شود که فرد دوباره انگیزه مشارکت در یاریگری را پیدا کند. این موضوع و رضایت درون در پژوهش‌های کلاته‌ساداتی و فلک‌الدین (۱۴۰۱) در بستر تحقیق مورد اشاره قرار گرفته است.

موضوع تأیید اجتماعی از سوی اطرافیان و دوستان و بستگان یکی دیگر از مقوله‌های پژوهش حاضر بود. انسان به تبع اجتماعی بودنش، تعامل‌های اجتماعی مثبت و منفی، می‌تواند بر رفتارشان تأثیرگذار باشد. پژوهش حاضر نشان داد که تأیید اطرافیان یکی دیگر از مشوق‌های انجام کار خیر توسط مشارکت‌کنندگان است. این موضوع اگرچه در پژوهش‌های دیگر مورد احصا واقع نشده، اما یافته جدیدی است؛ به هر حال تشویق به کار خیر در اسلام به عنوان یک «امر معروف» شناخته می‌شود و تأثیر آن را هم می‌توان در این زمینه مطابق نتایج پژوهش حاضر ملاحظه کرد. خیرین در یک میدان اجتماعی گسترده‌ای قرار دارند که بخشی از مشوق‌های این میدان، همین تأیید و تشویق اطرافیان، دوستان و بستگان است. لازم است اشاره شود که با آنکه این تأیید و تشویق‌ها اهمیت بسیاری دارد، اما تنها در میدان خیر برای مشارکت‌کنندگان معنا دارد. مشارکت‌کنندگان پژوهش هیچ تمایلی برای نام بردن از آنها به عنوان خیر نداشتند. این موضوع بیشتر از همه بر ارزش اسلامی بی‌نشان بودن در انجام کار خیر تأکید دارد.

نتیجه نهایی اینکه شهر یزد به علت تکیه داشتن بر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و اسلامی، ظرفیت متفاوتی از انجام کارهای خیر و انسان‌دوستانه را دارد. پژوهش حاضر به



وجهی از موضوع، یعنی درک و تفسیر خیرین از اقدام خیر خود اشاره دارد، اما موضوع خیر و کار خیری در این شهر نیازمند مطالعه‌های گسترده‌تر و جامع‌تر است. شاید بتوان به الگویی خلاقانه و مبتنی بر زیست‌بوم این شهر برای جامعه ایران ارائه کرد؛ الگویی که ابعاد نظری کار خیر را به صورت گسترده‌تر ارائه کند.

پیشنهادها

خیر و کار خیری، نوعی اقدام انسانی و اجتماعی از پایین به بالاست که نیازمند این است که کمتر سیاست‌زده شود. این موضوع باعث بسط و نشر بیشتر آن می‌شود. تنها کار سیاست‌گذار، بسترسازی مناسب برای توسعه کار خیر است؛ به همین دلیل ضرورت دارد که این اقدام همچنان به صورت مردمی باقی بماند و سیاست‌گذاری‌های از بالا به پایین کمتر به آن ورود کند؛ همچنان که کلاته‌ساداتی و فلک‌الدین (۱۴۰۰) نشان دادند سیاست‌ورزی عالمانه در موضوع کارهای خیری و انسان‌دوستانه، باید بیشتر ناظر به بسترسازی باشد تا ورود و دخالت در این امور.

محدودیت‌ها

یکی از چالش‌های پژوهشگران در این پژوهش، یافتن خیری بود که تمایل به مصاحبه داشته باشد. ماهیت کار خیر و به خصوص ارزش اسلامی «اخلاص» و اینکه که «کار بایستی برای رضایت خداوند باشد»، مانع از انجام مصاحبه در بسیاری از مشارکت‌کنندگان بالقوه‌ای می‌شد که حاضر به مشارکت نشدند. این موضع باعث مشکلاتی برای پژوهشگران در یافتن نمونه تحقیق شد. از سوی دیگر، هرچند پژوهش حاضر تلاش کرد درک و تفسیر خیرین را از اقداماتشان احصا کند و با وجود ماهیت کیفی کار، اما کار خیر فهم و درکی عمیق‌تر از این شیوه‌ها می‌طلبد و نیازمند پژوهش‌های پدیدارشناسانه در موضوع پژوهش است. خیر و کار نیکو کردن، مرتبط با تجربه‌های پدیداری فرد است که عمیقاً به آن ایمان دارد و بر زیست معنوی و وجودی او تأثیر می‌گذارد و در واقع با تمام وجود آن را تجربه می‌کند؛ به همین دلیل انجام کار پدیداری با موضوع حاضر پیشنهاد می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

ماهیت کار کیفی حاضر و تعمیم‌ناپذیری آن، انجام مطالعات کمی بر اساس مضامین
برساخت شده پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

تحقیق حاضر بدون حمایت خاصی انجام شده است. پژوهشگران از مشارکت‌کنندگان در
پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.



منابع

- اشراقی، حمیدرضا، امیراحمدی، رحمت‌الله، و نعیمی، محمدرضا (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت خیرین در مراکز درمانی خیریه. *تغییرات اجتماعی فرهنگی*، ۲(۱۷): ۱-۲۴.
- اشراقی، حمیدرضا، امیراحمدی، رحمت‌الله، و نعیمی، محمدرضا (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی کنش مشارکتی خیرین در نظام سلامت. *رفاه اجتماعی*، ۲۰(۷۹): ۳۳۳-۳۶۶.
- بابایی زارچ، احمد، ترابی فارسانی، سهیلا، و میرحسینی، محمدحسن (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر رشد و استقرار نظام آموزش نوین در یزد از مشروطه تا پایان پهلوی اول. *پژوهش‌های تاریخی*، ۱۲(۱): ۱-۲۰.
- بالوئی جامخانه، عزت‌الله، باقرزاده، محمدرضا، طبری، مجتبی، و روشن‌بخش، فاطمه (۱۳۹۰). مطالعه میزان توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) فعال در حوزه بهزیستی استان مازندران. *فراسوی مدیریت*، سال پنجم، ۱۸: ۹۹-۱۲۳.
- بلورفروش، علی، و انصاری، محمداسماعیل (۱۳۹۸). بررسی عوامل بروز رفتار خیرخواهانه با رویکرد پدیدارشناسی در شهر اصفهان. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۴(۳۰): ۷-۱۹.
- چراغی، زهره. زارع سنگدرازی، صفا (۱۳۹۴). موقعیت زنان یزد از عصر پهلوی تا عصر حاضر (از ۱۳۰۵ ه.ش تا ۱۳۹۴ ه.ش). *پژوهش‌نامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی*. ۶(۲): ۱-۳۴.
- خانی سانچ، مهدیه (۱۳۹۷). تأثیر و تأثر زرتشتیان و انجمن‌های خیریه آنها در گسترش فرهنگ و آموزش در شهر یزد در دوره قاجار و پهلوی اول، دومین همایش ملی خیر ماندگار، تهران.
- دلدادۀ مهربان، فلاح، زین‌العابدین، بهلکه، طاهر، و عسکری، اسرا (۱۴۰۲). شناسایی و تبیین راهبردهای نگهداری خیرین ورزش‌یار در ساخت اماکن ورزشی. *نوآوری در مدیریت ورزشی*، ۲(۱): ۱۵-۲۹.
- دلاور، علی، شعبانی، زهرا، کریمی، یوسف و درتاج، فریبرز (۱۳۹۵). تبیین عوامل روان‌شناختی و اجتماعی بر نوع دوستی خیرین مدرسه‌ساز. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۲(۳۹): ۴۵-۷۹.
- ریتزر، جرج، (۱۳۸۸)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (ترجمه محسن ثلاثی). چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی.
- زنگنه شهرکی، مهدی، کلاته‌ساداتی، احمد، و عابدی دیزناب، محدثه (۱۴۰۱). تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید-۱۹؛ مطالعه‌ای در چالش‌های یاریگری دانشجویی در شهر یزد. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۳(۵۲): ۱۶۱-۱۹۹.



کار خیر و رضایت درونی؛ مطالعه‌ای کیفی در میان خیرین شهر یزد

- . سپهوند، تورج، و علایی مقدم، مهران (۱۴۰۰). مقایسهٔ بخشودگی و عملکرد خانواده در زنان فعال و غیرفعال در امور خیریه. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۷ (۴): ۱۲-۱.
- . سعیدی، علی اصغر، و شیرین کام، فریدون (۱۳۹۶)، موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران عصر پهلوی. زندگی و کارنامهٔ حاج محمدتقی برخوردار. چاپ چهارم، تهران: گام نو.
- . شکوری، علی (۱۳۸۴). رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها. رفاه اجتماعی، ۵ (۱۸): ۳۵۷-۳۸۶.
- . طیب نیا، محمد صالح، و ربانی اصفهانی، حوریه (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانهٔ خیرخواهانه. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۴، شمارهٔ دوم (پیاپی ۱۱۷): ۱-۲۵.
- . فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷). گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران. پژوهش‌نامهٔ علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامهٔ پژوهش‌های اجتماعی، نیمهٔ دوم ۱۳۸۷، ۱۳-۶۰.
- . فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی یاریگری. تهران: نشر ثالث.
- . کلاته‌ساداتی احمد، و فلک‌الدین، زهرا (۱۴۰۱). نقش همه‌گیری کووید ۱۹ در رشد یاریگری: مطالعهٔ موردی دانشجویان دانشگاه‌های یزد. مسائل اجتماعی ایران، ۱۳ (۱): ۲۰۹-۲۲۷.
- . کلاته‌ساداتی، احمد، و فلک‌الدین، زهرا (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری و ارتقای کنشگری انسان‌دوستانه در بحران‌ها؛ مطالعهٔ گروه‌های دانشجویی فعال در همه‌گیری کووید ۱۹. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۰ (۱۸): ۱۴۷-۱۷۴.
- . کلاته‌ساداتی، احمد، و فلک‌الدین، زهرا (۱۳۹۹). طبقه‌بندی ابعاد اجتماعی وقف جامع‌الخیرات شهر یزد. فرهنگ یزد، ۲ (۳): ۶۵-۹۱.
- . محمدی، امین و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت مالی از هزینه‌های درمانی بیماران در دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مجلهٔ دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۲، ۱: ۱۳۵۴-۱۳۶۲.

Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1(1): 1-5. Blackwell.

Braun V, Clarke V. Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*. 2006;3(2):77-101.

Creswell JW, Poth CN. *Qualitative Inquiry and Research Design*. Fourth Edi. Sage; 2017.



deMoura, E. H., e Cruz, T. B. R., & Chirolí, D. M. D. G. (2020). A framework proposal to integrate humanitarian logistics practices, disaster management and disaster mutual assistance: A Brazilian case. *Safety Science*, 132, 104965.

Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness, and a proposal for a national index, *American psychologist*. (55): 34- 43.

Hofmeister, U., & Navarro, S. (2017). A psychosocial approach in humanitarian forensic action: The Latin American perspective. *Forensic science international*, 280, 35-43.

Ozcan, O., Hoelterhoff, M., & Wylie, E. (2021). Faith and spirituality as psychological coping mechanism among female aid workers: a qualitative study. *Journal of International Humanitarian Action*, 6(1), 15.

Parsons, T. (1991). *The Social System*. United Kingdom: Routledge.

Paul Heelas ،Linda Woodhead ،Benjamin Seel ،Bronislaw Szerszynski، Karin Tusting. (2005). The spiritual revolution: Why religion is giving way to spirituality .Oxford: Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

Strobert Spiegel H, Rinaldi Carpenter D, Khachian A (2016). *Qualitative Research in Nursing: Progress in the field of human characteristics*. First Edit. Shokati Ahmadabad M, Mohammadi I, editors. Jame Negar.

Trier-Bieniek, A. (2012). Framing the telephone interview as a participant-centred tool for qualitative research: a methodological discussion. *Qualitative Research*, 12(6), 630–644.

